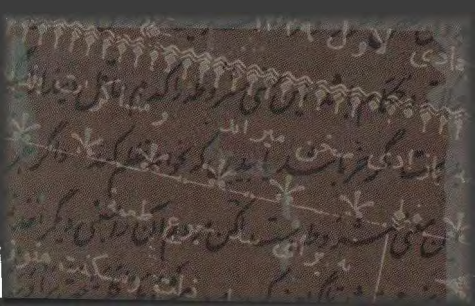


مروری بر
تاریخ مطبوعات اصفهان

از انقلاب مشروطه تا کودتا
۱۲۹۹ - ۱۲۸۵ هجری شمسی

سیدرضا طباطبایی



ISBN: 978-600-5944-25-9

9786005944259

01422

نشر راهبانست

۵۳۹۹۰۰۱

سردرشناسه	طباطبایی، سیدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	مروری بر تاریخ مطبوعات اصفهان از انقلاب مشروطه تا کودتا (۱۲۹۹-۱۲۸۵) ه.ش/ سیدرضا طباطبایی.
مشخصات نشر	اصفهان: نشر نهفت، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۳۱۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۴-۲۵-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیا	
موضوع	مطبوعات -- ایران -- اصفهان -- تاریخ -- ۱۳۲۴-۱۳۳۹ ق.
موضوع	روزنامه نگاری -- ایران -- اصفهان (استان)
موضوع	ایران -- تاریخ -- ۱۳۲۴-۱۳۳۹ ق -- مطبوعات
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ ی۸۲۴/الف PN۵۴۴۹
رده بندی دیویی	۰۷۹/۵۵۹۳۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۷۶۸۹۵۴

مروری بر تاریخ مطبوعات اصفهان

از انقلاب مشروطه تا کودتا (۱۲۹۹-۱۲۸۵) ه.ش

سیدرضا طباطبائی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مروری بر تاریخ مطبوعات اصفهان

از انقلاب مشروطه تا کودتا (۱۲۹۹-۱۲۸۵) ه.ش

سیدرضا طباطبائی

مدیر تولید: مهرانگیز بیدمشکی
پردازش متن: شیرین شجاعی
صفحه‌آرا: مهرداد بیدمشکی
طراح جلد: سیدمجید عقیلی
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
لبنوگرافی: زمان
چاپ: پارسا
صحافی: سپاهان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۴-۲۵-۹
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق محفوظ است»

Copyright 2014 © Nahoft Publication



Nahoft Publication

ناهوفت

E-mail: nnahoft@yahoo.com

E-mail: nahoft_publication@yahoo.com

اصفهان: چهارراه آپادانا، مقابل بانک سپه، ساختمان ۴، واحد ۳
تلفن: ۰۳۱۱-۶۴۱۳۷۶۵

فهرست

۹	مقدمه
	فصل اول (مروری بر تاریخچه مطبوعات ایران در اوایل دوره قاجاریه تا انقلاب
۱۳	مشروطه)
۳۵	فصل دوم مشروطه اول (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ه.ق.)
۳۶	روزنامه الجناب
۴۸	روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان
۶۸	روزنامه اصفهان
۷۵	روزنامه انجمن بلديه
۸۴	روزنامه بلديه اصفهان
۸۸	روزنامه جهاد اکبر
۱۰۵	روزنامه فرج بعد از شدت
۱۰۸	مجله گنجینه انصار
۱۱۳	نشریه نقش جهان
۱۱۵	روزنامه نوروز
۱۱۶	نشریه نامه حقیقت
۱۲۲	روزنامه ناقور
۱۲۹	روزنامه نجات وطن
۱۳۱	نشریه نرجوقائی لرابر
۱۳۲	نشریه نرجوقائی آودابر

۱۳۳	فصل سوم مشروطه دوم تا جنگ جهانی اول (۱۳۲۶ ه. ق. تا ۱۳۳۲ ه. ق.)
۱۳۴	روزنامه زاینده‌رود
۱۶۱	روزنامه عرق‌الوثقی
۱۶۳	روزنامه کشکول
۱۷۴	روزنامه مفتش ایران
۱۸۳	روزنامه پروانه
۱۸۸	روزنامه سلسبیل
۱۸۹	مجله آفتاب
۱۹۶	روزنامه کاشف اسرار
۲۰۱	روزنامه راه نجات
۲۰۵	روزنامه درفش کاویان
۲۰۷	فصل چهارم جنگ جهانی اول تا کودتا (۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ ه. ق.)
۲۰۸	روزنامه میهن
۲۱۴	روزنامه لوای اسلام
۲۱۶	نشریه زبان زنان
۲۳۱	نشریه حقیقت
۲۳۲	روزنامه اختر مسعود
۲۳۷	روزنامه اخگر
۲۴۰	نشریه اسرار الانصار
۲۴۲	نشریه صدای اصفهان
۲۵۱	هفته‌نامه غرش
۲۵۱	نشریه نکر
۲۵۲	نشریه صبح آزادی
۲۵۲	نشریه عبرت اصفهان
۲۵۲	نشریه صبح امید
۲۵۸	نتیجه‌گیری
۲۶۷	فهرست منابع و مآخذ
۲۷۵	ضمائم
۲۸۷	تصاویر

مقدمه

فعالیت‌های مطبوعاتی در اصفهان، کارکردها و تأثیرات آن در تحولات سیاسی اجتماعی و بین‌المللی از موضوعات اصلی بوده که مطبوعات مشروطه به آن پرداخته‌اند و آنرا مورد توجه قرار داده‌اند. به‌ویژه در مشروطه اول که مسئله توسعه نیافتگی در صدر مطالب نشریات قرار داشته است.

در این تحقیق تلاش شده تا در طی سه فصل دیدگاه روزنامه‌نگاران نسبت به موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، قضائی و نظامی؛ همچنین نحوه عملکرد، طول مدت انتشار نشریات، مواضع آنان در مسائل جاری کشور، چگونگی مواضع آنها در تحولات مشروطه اول و حوادث بعدی تا کودتای ۱۲۹۹ و موانع موجود و مسائلی از این دست، بررسی و به آن پاسخ داده شود.

نخست تلاش شده مطبوعات اصفهان و سیر تحولات و پیدایش آنان در عرصه فرهنگی کشور و کارکردهای آن و پیشینه روزنامه‌نگاری در این شهر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. نخست بررسی نشریات در مشروطه اول از ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ ه. ق و توضیح درباره نشریات این دوره و مدیران مسئول و سپس سیر صعودی و نزولی هریک و نوع نگاه آن نشریه به مباحث جاری اصفهان پرداخته شده است. و در پایان فصل یک نتیجه‌گیری برای آن دوره انجام شده و همین روش کار در فصل دوم یعنی مشروطه دوم پی گرفته شده و فصل سوم که منجر به کودتای ۱۲۹۹ ه. ش می‌شود.

پژوهش در زمینه بررسی تحلیلی مطبوعات اصفهان و گام برداشتن در

این مسیر بدون در نظر گرفتن سوابق تاریخی، فرهنگی، مذهبی و مادی جامعه آن روز امکان‌پذیر نیست. تاریخ اصفهان دارای فراز و نشیب‌های متعددی در مسیر تاریخی خود بوده که همه این موارد در شرایط آن روز این شهر بی‌تأثیر نبوده است. مطبوعات نیز در این سیر تحول به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی در انقلاب مشروطه و شرایط بعدی کشور نقش و تأثیر به‌سزایی داشته، از همین رو بررسی نشریات دوره مذکور، نظرات و دیدگاه‌های مدیران نشریات و جریده‌نویسان، گامی اساسی در این مسیر خواهد بود. این دوره به‌ویژه عصر انقلاب اول مشروطه در زمینه ایجاد و توسعه کمی و کیفی مطبوعات شاهد یک جهش رو به جلو هستیم؛ که در مشروطه دوم به‌کندی می‌گراید و در مرحله بعدی، اولین رگه‌های سانسور و محدودیت پیدا می‌شود. در مشروطه دوم، نشریات گرایش‌های حزبی پیدا می‌کنند و مدیران آن نیز افرادی می‌شوند که اغلب یک چهره صرفاً علمی نیستند، بلکه وجه سیاسی آنان غالب است.

تلاش ما بر این است که علاوه بر ایجاد زمینه برای شناخت کلی مطبوعات از نظر مشخصات و ویژگی‌های شکلی آنها، در حد امکان مسائل محتوای این نشریات را بررسی کنیم. همچنین در این پژوهش تا حد امکان به سرگذشت ارباب جراید اصفهان از نشریات منتشر شده که در آرشیوهای معتبر موجود بوده از قبیل روزنامه‌های الجنب، انجمن مقدس ملی، بلدیه اصفهان، جهاداکبر و امثالهم پرداخته شده است. کتاب ارزشمند تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف آقای محمد صدراشمی مبنای کار قرار گرفته و منابع دیگر با آن تطبیق داده شده است. و همچنین کتاب‌های ارزشمند دیگری مانند تاریخ ادبیات و مطبوعات نوشته ادوارد بروان فهرست رابینو، روزنامه‌های عصر مشروطه اصفهان که توسط مرکز اصفهان‌شناسی تجدید چاپ گردیده‌اند و سایر منابع دیگر در این پژوهش بررسی شده‌اند. با این حال در زمینه بررسی تحلیلی مطبوعات این دوره درباره موضوع خاصی چون بررسی تحلیلی مطبوعات اصفهان تاکنون تلاش مدون و منسجمی صورت نگرفته تا بتوان از آن به‌عنوان پیشینه این تحقیق از آن یاد کرد.

تحقیق حاضر حاصل تلاش نگارنده است به منظور آگاهی از وضعیت نشریات این دوره از تاریخ اصفهان؛ که می‌کوشد با مطالعه مطبوعات این

دوره از ۱۳۲۴ ه. ق تا ۱۲۹۹ ه. ش از آنچه نویسندگان و مدیران نشریات به آن می‌اندیشند تا با نشریات خود بر بنیان‌های اساسی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسط رکن چهارم دموکراسی تأثیر لازم را به عمل آورند؛ و از این طریق گامی در جهت شناسائی تاریخ این دوره بردارد. این کوشش می‌تواند پایه‌ای برای ارائه راه‌کارهایی به منظور شناخت از مطبوعات اصفهان و بازسازی فضای حاکم بر جامعه و بررسی چگونگی این سیر تحول باشد.

به این ترتیب هدف این تحقیق شناخت نقاط قوت و ضعف مطبوعات و کارکردهای آن است تا با درک پیشینه تاریخی، به اصلاح و توسعه مطبوعات اصفهان منجر شود. دشواری تحقیق در مورد منابع دست اول مانند روزنامه‌های قدیمی، کار تنظیم پژوهش را با مشکلاتی روبرو کرد. کهنه‌گی و کیفیت پائین چاپ نشریات قدیم و در دسترس نبودن برخی نشریات نیز بر سختی کار افزود. پر واضح است که بی‌تجربگی نگارنده در انجام چنین تحقیقی با گسترده بودن و در دست نداشتن الگوی عملی در این زمینه با وجود داشتن راهنمایان عالم، مانع از آن نشد که این تحقیق جامع و بی‌عیب باشد؛ از این رو تمام کاستی‌های این تحقیق بر عهده نگارنده است و با وجود تلاش فراوان جهت استفاده بیشتر از اشکالات وارده از جانب استادان و سعی در اصلاح موارد، راه انتقاد بر آن همچنان گشاده است.

لازم به ذکر است؛ این کتاب برگرفته از پایان‌نامه، «بررسی تحلیلی مطبوعات اصفهان از مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹» اینجانب، دفاع شده در دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد است.

در پایان بر خود واجب می‌دانم از مرکز مطالعات و اسناد کتابخانه‌ی صائب و جناب آقایان دکتر علیرضا ابطحی، محمدحسین ریاحی، سیدعلیرضا حسینی، محمدعلی رجایی و مجتبی ایمانیه تشکر و سپاسگزاری نمایم.

فصل اول

مروری بر تاریخچه مطبوعات ایران در
اوایل دوره قاجاریه تا انقلاب مشروطه

مروری بر تاریخچه مطبوعات ایران در اوایل دوره قاجاریه تا انقلاب مشروطه

تاریخ تمدن به تعبیری تاریخ سیر افکار و عقاید بشر است. پس تاریخ روزنامه‌نگاری تاریخ انتشار و نفوذ آگاهی‌های فکری است. بشر متمدن با استفاده از وسایل و اختراعات علمی مثل چاپ، تلفن و رادیو و تلویزیون سعی کرده است با ممنوع خود ارتباط برقرار کند و عقاید خود را ابراز کند. اندیشه‌های محیط خود را تفسیر و تعبیر کند و با تسلط بر وسائل ارتباطی به پیشرفت‌های فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست یابد. تأثیر روزنامه‌نگاری در ارتباطات اجتماعی در دوران انقلاب فرانسه، انقلاب مشروطه ایران، تسلط هیتلر بر اروپا، حکمرانی موسولینی بر ایتالیا و بسیاری از وقایع و حوادث تاریخی غیر قابل تردید است.^۱

اولین قدم در راه توسعه و گسترش بیشتر دانش و علوم ارتباطات اجتماعی در هر کشوری، مطالعه تاریخ ارتباطات و روزنامه‌نگاری آن کشور است. تحقیق در تاریخ روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی در ایران نه فقط از جنبه تاریخ اجتماعی، بلکه از نظر طبیعت تاریخی نیز ضروری است. تاریخ روزنامه‌نگاری هر کشوری نتیجه اقدام و کوشش گروه خاصی از اشخاص معین و مشخص نیست. بلکه حاصل جریانی تاریخی است که اعضای مختلف جامعه در آن شرکت دارند و اغلب به آن که اثر مداوم آنها در ظاهر به چشم آید

۱- مولانا حمید، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، با یادداشت‌های رضا مرزبان، چاپ اول، تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸، ص ۹.

به توسعه و تکامل وسایل اجتماعی و ارتباطی و از جمله روزنامه‌نگاری نو کمک می‌کنند. تاریخ روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران از تاریخ تمدن کشور ما جدا نیست.^۱

در این فصل کوشش بر آن است تا با توجه به موضوع اصلی تاریخچه‌ی مطبوعات در ایران از اوایل دوره‌ی قاجار تا مشروطیت به صورت مختصر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

واژه‌ی روزنامه در زبان فارسی دارای سابقه‌ی دیرینه‌ای است و این واژه به صورت عربی شده آن یعنی «روزنامه‌چه» در منابع و متون فارسی قدیم و در ثبت وقایع ذکر شده و برای دفتر یادداشت و یا خاطرات به کار برده شده است. به نظر می‌رسد اولین روزنامه، که به شکل دست نوشته بوده و در دسترس مردم قرار داشته، در ایام حکومت محمود غزنوی در غزنین و در قرن پنجم هجری، به نام روزنامه ایام بود که در خمسه نظامی از آن نام برده شده که به نمونه آن در ذیل اشاره شده است:

به روزنامه ایام در، همه پیداست اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان
از قصه و قطعه و قصیده یک یک بنوشت بر جریده^۲

استاد محیط طباطبایی معتقد است که در قدیم و در بین ایرانیان مطبوعات مشتمل بر روزنامه و جریده و مجله و صحیفه و ماهنامه و هفته‌نامه و مانند این‌ها بوده است؛ چیزی که امروزه از آن به عنوان ترتیب انتشار یاد می‌شود.^۳ یکی از قدیمی ترین جراید فارسی به دوران وزارت وزیر قدرتمند دیلمی، صاحب ابن عباد برمی گردد. وی صاحب روزنامه‌ای بوده که وقایع روزانه را در آن ثبت می‌کرد. در عصر صفوی، منجم یزدی صاحب روزنامه‌ای بود به نام روزنامه ملاجلال یزدی که حاوی یادداشت‌های وی از دوران سلطنت شاه عباس بوده در دوران معاصر نیز روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه در ایران را می توان نام برد.^۴

۱- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، صص ۱۰، ۱۸.

۲- طباطبائی محمد، محیط تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، تابستان ۱۳۷۵، ص ۱۳.

۳- همان، ص ۱۳.

۴- (روزنامه دولت علیه ایران) صنع الملك میرزا ابوالحسن خان، مدیر و نقاش، با همکاری و نظارت جمشیدکیانفر، چاپ اول، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، پیشگفتار.

با دقت در شعر و نثر عنصری، فردوسی، ناصر خسرو، خاقانی و نظامی و نثر فارسی و عربی ثعالبی، بیرونی، ابن بلخی و ابوالمعالی شیرازی چنین بر می‌آید که دیوانیان و بازرگانان و دریانوردان قدیم برای ثبت احوال و اعمال روزمره خود لفظ جریده را به کار می‌بردند و جریده در ترجمه تاریخ طبری و ابن بلخی، در فارس نامه بلخی و بیهقی، در تاریخ مسعودی و راوندی، در راحه الصدور و جرفادقانی و در ترجمه یمنی به عنوان دفتری یاد شده که در آن تحولات و ارقام مربوط به موضوعی خاص مانند مواجب و جیره امور مالی و اوقات، املاک، انعامات و احکام و باج و خراج ثبت شده و در حقیقت قسمتی از روزنامه موضوعی بوده است. از لفظ جریده چنین استنباط می‌شود که نوشته‌ای که روشن کننده باشد^۱ و در واقع این مقام وقایع نویسی در زمان تیموریان در ایران رونق یافت و به مدت چند قرن تا زمان پیدایش صنعت چاپ در ایران ادامه یافت.^۲

روزنامه‌نگاری به معنای امروزی آن از اوایل قرن هفدهم میلادی در اروپا آغاز شد و این بدان علت بود که فوریت طرح برخی از مسائل و همچنین بازتاب اجتماعی آنها ایجاب می‌کرد که ابزاری سریع‌تر و تأثیر گذارتر از کتاب به وجود آید و روزنامه این رسالت را عهده‌دار شد. انتشار سریع و پی در پی اخبار به آن جنبه گزارش و خبری داد تا حدی که طرح مسائل به صورت گزارش‌های خبری کوتاه و بلند در آمد. ضرورت اقتصادی و سیاسی و توسعه دامنه نشر به اتخاذ تدابیری برای بالا بردن شمارگان نشریه انجامید و از طرفی روزنامه‌نگاران نیز با ساده‌نویسی سعی کردند مطالب خود را در حد سطح فهم عمومی درآورند و همچنین با تحریک احساسات مثبت و منفی سعی کردند در حوزه‌های جدید وارد شوند و این رقابت باعث شد تا روزنامه‌نگاران برای برتری بر یکدیگر به روش‌های جدید در این حوزه دست یابند و از هم در آمیختن این روش‌ها، فرهنگ جریده‌نویسی پدید آمد.^۳

روزنامه به معنی امروزی آن از لفظ لاتین (newspaper) یعنی کاغد اخبار

۱- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۴.

۲- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۲۳.

۳- روزنامه دولت علیه ایران، پیشگفتار.

گرفته شده و برای اولین بار توسط میرزا صالح شیرازی [از محصلین اعزامی به انگلستان در ۱۲۳۰ ه. ق/ ۱۸۱۵ م توسط عباس میرزا نایب‌السلطنه به اروپا] به طبع رسید. او بنیان‌گذار نخستین نشریه چاپی در ایران شد. او در انگلستان ضمن آشنایی با مراحل چاپ، یک دستگاه کوچک چاپ را با خود به ایران آورد و در ماه مبارک رمضان ۱۲۵۲ ه. ق.^۱ این روزنامه در تهران انتشار یافت. هر چند تاریخ دقیق انتشار آن مشخص نیست. تنها سند راجع به این روزنامه اعلام‌نامه‌ای است که از طرف دولت بر آگاهی مردم ایران صادر شده و تاریخ آن مربوط به آخر رمضان سال ۱۲۵۲ ه. ق. است.^۲

به‌هر حال کاغذ اخبار،^۳ قدیمی‌ترین نشریه‌ای است که در ایران منتشر شده است. پیدایش کاغذ، سرفصل فن چاپ و انتشار کتاب و روزنامه‌نگاری است. اگرچه در گذشته پیش از آن آثار مهم بزرگان دانشمندان و شعرای دنیا و نیز مکاتبات و قراردادهای روی پوست حیوانات و نباتات نوشته می‌شد ولی اختراع و پیدایش کاغذ بود که وسیله جدید و تحول بزرگی در توسعه دانش و اطلاعات و اخبار در آسیا و اروپا را به‌وجود آورد.^۴

اما پیدایش روزنامه با ترتیب انتشار منظم در ایران از اقدامات امیرکبیر بود و در دوران صدارت او روزنامه وقایع اتفاقیه تأسیس و منتشر شد.^۵

در دوران صدارت میرزا حسین‌خان سپهسالار تحولاتی در روزنامه‌نویسی به‌وجود آمد. تغییر شکل نشریات و توسعه مباحث روزنامه‌ها، که شامل قانون و عدالت و نظام می‌شد، همچنین ایجاد مطبوعات در شهرهای مهم، اجازه انتشار روزنامه به زبان‌های خارجی، طرح مباحث مربوط به آزادی و قانون و عدالت و وطن‌پرستی مانند ضرباتی بود که بر پیکر استبداد و حکومت وارد آمد. با آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم، روزنامه‌نگاری و مطبوعات رشد ابتدائی خود را در ایران شروع کرد و در مدت نیم قرن که بالاخره به انقلاب مشروطه

۱- راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، مقدمه، صص ۱۱، ۱۲.

۲- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، مقدمه.

۳- اولین مطبوعات فارسی در هندوستان منتشر شد و این در حالی است که خاستگاه زبان فارسی ایران است نشریاتی مانند اخبار ایران، روزنامه هندوستانی، مرآت‌الاحوال و مرآت‌الخبر را می‌توان نام برد.

۴- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۹.

۵- تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، مقدمه، ص ۲.

منجر شد تغییرات قابل توجهی در توسعه و بسط فزاینده‌ای در ارتباطات اجتماعی حاصل شد.^۱

روزنامه‌های منتشره در این عصر مردم را به چند موضوع مهم دعوت می‌کردند که عبارت بود از تعلیم و تربیت، تمدن جدید، عدل و قانون، نظم و تربیت، عبرت از کار ژاپن، تذکر مفاخر قدیم، دعوت به اخوت اسلامی و معرفی سیاست روس و انگلیس در آسیا.^۲

رقابت روس و انگلیس در برخورداری از منابع اقتصادی ایران و تقویت رقابت میان رجال دولت ایران باعث شد که هر یک از مدیران نشریات به طرفی گرایش یابند و نفوذی که هر یک از این دولت‌ها در مطبوعات داشتند به‌طور غیر مستقیم روزنامه‌ها را از توجه به مصالح این دو حریف به‌خود جلب می‌کرد.

در این دوره اغلب نشریات در تهران چاپ می‌شد و در برخی از ولایات از جمله اصفهان نیز نشریات تحت نظر حکام وقت انتشار یافتند و یکی از وزارتخانه‌های مهم آن زمان اداره دارالطباعة مبارکه متولی تنظیم مطالب و انتشار روزنامه‌های دولتی بود.^۳

سرنوشت مطبوعات در ایران بستگی کامل به سرنوشت انقلاب مشروطه داشته است. قبل از پیروزی انقلاب مشروطه در ۱۳۲۴ ه. ق تعداد کمی روزنامه در ایران انتشار می‌یافت که از نظر سیاسی اهمیت زیادی نداشتند و ارزش آنها به‌طور کلی فقط از نظر ادبی و داشتن اشعار و محتوای برخی مقالات مهم بود. ولی بعد از انقلاب دامنه انتشار مطبوعات توسعه پیدا کرد.^۴

مندرجات مطبوعات آن دوران تاریخ ایران نه تنها متوجه فعالیت‌های داخلی و انتقاد از امور داخلی حکومت، بلکه قسمت مهمی از نوشته‌های این دوره به امور حاکمیت و استقلال ملی ایران اختصاص داشت و روزنامه‌نگاران این دوره علیه نفوذ خارجی‌ان و رقابت انگلیس و روس در ایران مبارزه می‌کردند.^۵

۱- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۵۰.

۲- همان، صص ۸۹ و ۹۰ و ۹۴.

۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، مقدمه، ص ۲.

۴- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت برون ادوارد، ترجمه و تعلیقات تاریخ و ادبی محمد عباسی، دو جلد، چاپ اول، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۷ ه. ش جلد دوم، ص ۱۰۶.

۵- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۱۹.

ادوارد برون درباره کارکرد مطبوعات آن دوره می‌نویسد «مهمترین وظیفه مطبوعات در هر کشور بیداری سیاسی و عقیده ادبی است مقتضی نیست که بتوان با یک بازدید کوتاه از روابطی که میان فعالیت‌های پیشین مطبوعات در ایران و آخرین جنبش‌های رنسانس وجود دارد نتیجه گرفت...»^۱

تأسیس مجلس شورای ملی و تصویب قانون اساسی بر این دستاورد مهر قانونی زد و بنیان‌های مشروطیت پایه‌گذاری شد. در قانون اساسی مشروطیت صریحاً درباره مطبوعات بحث شده و طبق اصل بیستم این قانون درباره آزادی مطبوعات و موانع مربوط به فعالیت‌های جریده‌نگاری چنین آمده است: «موافق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیر کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شوند، نشردهنده و یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود، اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند. مقرر می‌شود طبع کتب و روزنامه‌جات و اعلانات و لوايح در تحت قوانین مقرر ذیل که از برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات از باب قلم و مطبوعات وضع می‌شود آزاد است. هر کس بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی به طبع برساند یا مطبوعات را بفروشد، باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف به الزام شرعی ملزم و متعهد شود»^۲.

حمایت مجلس اول از آزادی مطبوعات باعث شد که در آن دوره نشریات زیادی منتشر شوند؛ به‌ویژه فضای آزادی که برای آنان به‌وجود آمده بود و آنان مقید به هیچ قیدی نبودند و برخی این آزادی را با کشورهای اروپایی مقایسه می‌کردند و آن وضعیت را مثبت ارزیابی می‌کردند. این وضعیت تا قبل از بمباران مجلس توسط محمدعلی شاه بر مطبوعات حاکم بوده و بعد از آن منجر به تعطیلی نشریات شد.^۳

آزادی فعالیت مطبوعات نه تنها در قانون اساسی مشروطه مورد تصریح

۱- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، جلد سوم، ص ۱۳۴.

۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، مقدمه، صص ۱۹، ۲۰.

۳- همان، ص ۲۲.

و تأیید بود، از نظر مذهبی نیز برخی روحانیون و علمای بزرگ در جهت کمک به فعالیت نشریات به ویژه مطبوعات دینی دیدگاه‌های جالبی داشتند. از جمله می‌توان به فتوای آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی اشاره کرد که در سال ۱۳۰۴ ه. ق. ایشان برای تقویت نشریات مروج دین مبین اسلام طی حکمی صرف خمس و زکات را برای انتشار نشریه الاسلام به مدیرمسئولی محسن فقیه شیرازی توصیه کردند که این خود حکایت از جایگاه و نقش مطبوعات در تحولات بعدی در انقلاب مشروطه و توجه به این مقوله دارد.^۱

در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۲۸۵ مظفرالدین‌شاه درگذشت و محمدعلی‌شاه به پادشاهی رسید و در اولین اقدام در ناسازگاری با اساس مشروطه نمایندگان مجلس را در مراسم تاجگذاری خود دعوت نکرد. چون محمدعلی‌شاه یک روسوفیل بود انگلیس با به قدرت رسیدن وی خیلی موافق نبود. این بی‌اعتنائی و همچنین مخالفت او با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی کشور را به اغتشاش و تعطیلی بازارها کشاند و شاه مجبور شد که هیأتی را برای بازنگری در قانون اساسی مأمور نموده و این هیأت متمم قانون اساسی را در ۱۰۷ ماده تنظیم نمودند که از مهمترین اصول آن مربوط به حقوق ملت و حدود اختیارات سلطنت و تصمیم قوای سه گانه و همچنین آزادی بیان و قانون مطبوعات است.^۲

در اوایل کار دولت مشروطه نیز همچنان می‌بایست روزنامه‌ها قبل از انتشار مطالب خود را به اداره انطباعات ارائه می‌کردند تا ممیزی شود ولی بعداً با تلاش و همت نمایندگان آذربایجان در تهران انجمنی به نام گلستان تشکیل شد که طرح آزادی مطبوعات در دستور کار این انجمن قرار گرفت. اعضای این انجمن در تهران مستقر بودند و در منزل شاهزاده محمدجعفر میرزا تشکیل جلسه می‌دادند. اعضای آن از افراد زیادی از فضلا و دانشمندان و تحصیل کردگان مدارس عالی ایران و اروپا که درباره مطالب مهم کشور و از جمله آزادی مطبوعات بحث می‌کردند تشکیل می‌شد و این مباحث دستمایه‌ای شد برای تصویب قانون مطبوعات. در روز شنبه پنجم ماه محرم ۱۳۲۶ ه. ق. این

۱- قاسمی سیدفرید (رویدادهای مطبوعاتی ایران ۱۲۸۲-۱۲۱۵، ۱۳۸۳)، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۸۳، ص ۶۶.

۲- پیام بهارستان، شماره ششم، زمستان ۸۹، اسنادی از بازگشت ناموفق محمدعلی‌شاه به قدرت، احمد مظفر مقام، ص ۶۵۲.

قانون با حضور هشتاد و هشت نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و با ۷۶ رأی موافق به تصویب رسید و بعد از امضای رئیس مجلس احتشام السلطنه برای صحنه همایونی ارسال شد. این قانون در شش فصل و ۵۲ ماده تنظیم شده بود.^۱ یکی از اقدامات مهمی که نمایندگان مجلس شورای ملی در آغاز مشروطیت انجام دادند لحاظ کردن کلمه آزاد در امتیاز نشریات بود. آنها برای تأمین نظر خود تلاش‌های فراوانی کردند و به همین واسطه بود که تا مدت‌ها نشریات بعد از انقلاب در سرلوحه خود کلمه آزاد ملی را چاپ می‌کردند.^۲

دوره اول مجلس از مهمترین دوره‌های قانون‌گذاری محسوب می‌شد. تعداد زیاد تجار و اصناف و شور و هیجانی که در مجلس حاکم بود مجلس را قادر ساخت که در زمینه حمایت از سرمایه‌های داخلی مقابله با نفوذ بیگانگان و محدود کردن قدرت دربار اقداماتی را انجام بدهد.^۳

نویسنده کتاب مجلس اول و نهادهای مشروطیت درباره اقدامات مجلس اول می‌نویسد: «مجلس اول که در ۱۷ اکتبر ۱۹۰۶م افتتاح شد، در حیات بیست ماهه خود پاره‌ای وظایف بی‌سابقه را به انجام رسانید. این مجلس قدرت سلطنت را بسیار کاهش داد و وزیران را در برابر نمایندگان مجلس مسئول و پاسخگو شناخت. از طریق انتخاب انجمن‌های ایالتی و ولایتی به انجمن‌ها خود مختاری اداری و مالی داد. به‌طوری که این انجمن‌ها هم ناظر انتخابات بودند و هم بر فعالیت حکام و جریان مالیات‌گیری نظارت می‌کردند. نویسنده کتاب مجلس اول و نهادهای مشروطیت در این باره می‌نویسد: «...مجلس همچنین بودجه را موازنه کرده حقوق و مقرری شاهزادگان قاجار و شاه را کاهش داده و واگذاری زمین‌های تیول را ملغی کرد. قانون‌اساسی مشروطه، چارچوب قانون‌گذاری غیر مذهبی، قوانین جزاء و محکمه‌های استیناف را که از قدرت دربار و مراجع مذهبی می‌کاست معین کرده و مطبوعات را آزاد شناخت...».^۴

تا زمان انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۴ ه. ق هیچ‌گونه بحث جدی و

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، مقدمه، صص ۱۸، ۱۹.

۲- همان، ص ۱۶.

۳- تریابی فارسانی سهیلا، تجار مشروطیت و دولت مدرن، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴ ص ۱۵۰.

۴- مجلس اول و نهادهای مشروطیت، علی اصغر حق‌دار، ص ۶۲ (به نقل از آقاری، انقلاب مشروطه ایران، ۱۳۷۹، ص ۹۱).

قانون‌مندی درباره دادگاه‌ها و هیأت‌منصفه مطبوعات در ایران مطرح نبود و توقیف کردن یک نشریه و سیاست کردن مدیر آن جریده مبتنی بر خوی استبدادی دستگاه حکومتی بود و اولین تلاش در رابطه با قانون‌مند کردن جرایم مطبوعاتی در سال ۱۲۹۶ ه.ق توسط کنت دو مونت فرت^۱ رئیس نظمیه تهران در کتابی با عنوان «کتابچه قانون» صورت گرفت.^۲ اما نقطه آغاز این‌گونه مباحث از موقع انقلاب مشروطه است که اولین پایه‌های آن به هنگام تدوین قانون اساسی و تدوین متمم آن قانون پی‌ریزی شد.

بعد از اعلان مشروطه دوم و متمم قانون اساسی به علت فقدان وجود یک مرکز سیاسی متشکل که سکان کشتی سیاست را در دریای متلاطم حوادث به دست بگیرد و وحدت رویه در بین علما، تجار و اصناف را به عنوان ارکان اصلی نهضت، به وجود آورد مانع از همگرایی لازم در این زمینه نشد، تا هنگام جشن سالگرد مشروطه. حدود هشتاد انجمن به وجود آمد، که هر کدام دارای اندیشه و آرزوی خاصی بودند که همان رهبر و مؤسس آن انجمن بود و برخی انجمن‌ها نیز از هواخواهان استبداد بودند. در این فضا ممکن نبود نشریه‌ای پا به عرصه حیات بگذارد که بتواند راهنمایی لازم را در طرح مشکلات سیاسی، اجتماعی و سایر موارد ارائه کند.

اصل بیستم متمم قانون اساسی آزادی قلم و زبان عقیده را برای همه تأمین کرده و برای تأمین این حدود نیاز بود قانونی خاص تدوین شود. «همه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. ولی هرگاه چیزی مخالفت قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند...»^۳ فاصله بین افتتاح مجلس در شعبان ۱۳۲۴ تا ذی‌القعدة همان سال که

۱- kont demont fort.

۲- استاد دادگاه‌ها و هیأت‌های منصفه مطبوعات از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، گردآوری، تدوین و مقدمه مسعود کوهستانی‌نژاد، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۱، مقدمه ص ۱۵.

۳- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۲۲.

نظام‌نامه اساسی تصویب و حدود اختیار مجلس مشخص شد و این قوانین انتشار یافت، و بر اساس آن آزادی گفتار و انتشار مطبوعات و نوشتن تضمین شد، اما می‌بایست بر طبق دوره استبداد افراد نسبت به انجام مسیر دریافت مجوز اقدام کنند و بعد از تصویب متمم قانون اساسی این زمینه فراهم شد.^۱

قانون مطبوعات مصوب ۲۴ محرم ۱۳۲۶ شرایط تأسیس چاپخانه و چاپ کتاب و نشریه و توزیع و فروش آنرا در چهار فصل از هم جدا کرد. در مواد ششم، هفتم، هشتم و نهم، جایگاه مدیرمسئول نشریه و وضعیت او در رابطه با انتشار و یا عدم انتشار هر جریده، روشن می‌شود. هر ایرانی که سی سال داشته باشد و سوء پیشینه نداشته باشد قبل از طبع نشریه می‌بایست درخواستی را به اداره نظارت بر انطباعات بفرستد و مواردی را مانند مسلک نشریه، مکان چاپ و ترتیب انتشار را اعلام کند عدم سوابق سوء شرط اصلی بود ولی مواردی مانند استطاعت مالی و سطح سواد هم جزء شرایط اصلی قرار داشت.

چون قانون اساسی ایران ملهم از قانون کشورهای اروپایی بود و به همین دلیل در قوانین تدوین شده جایگاهی هم برای حضور هیأت‌منصفه در دادگاه‌های مطبوعاتی پیش‌بینی شد. یکی از دلایل این که قوه مقننه ایران در بحث دادگاه‌های مطبوعات هیأت‌منصفه را پیش‌بینی کرد، جلوگیری از فزون‌خواهی دولت‌ها نسبت به حریم شخصی افراد و جامعه بود و این امر یک مانع در راه گسترش قدرت و نفوذ دولت در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی به حساب می‌آمد.^۲

از جمله عواملی که شبکه‌ی نهضت مشروطه‌طلبی را بیش از پیش ریشه‌دار کرد و در ارتباطات عصر مشروطه جایگاه مهمی داشت، انجمن‌های سرّی بود. این انجمن‌ها در تاریخ مشروطه فصل جداگانه‌ای دارد. در حقیقت این انجمن‌ها مرکز تهیه‌ی مقالات انقلابی روزنامه‌ها و همچنین مرکز مباحثه و تفسیر و تعبیر نوشته‌های مطبوعات به‌شمار می‌رفت.^۳

در دوران قاجار برای اولین بار مباحث مربوط به تعیین قوانین و حدود خاص مطبوعات و ضرورت اخذ مجوز برای انتشار جراید مطرح شد. لزوم

۱- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۰۸.

۲- اسناد دادگاه‌ها و هیأت‌های منصفه مطبوعات از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی مقدمه، ص ۱۷.

۳- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۲۱.

داشتن مجوز برای انتشار یک نشریه و شرایط آن همواره با شدت و ضعف و افراط و تفریط همراه بود. زمانی به سرعت مجوز چاپ یک نشریه صادر می‌شد و در دوره‌ای بدون مجوز و تابع سلیقه و منافع حاکمان لغو می‌گردید. این برخورد سلیقه‌ای و دوگانه با دارنده‌ی مجوز انتشار نیز انجام می‌شد.^۱

مجلس شورای ملی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دستاورد مشروطیت و تغییر نظام سیاسی کشور بود و مجلس اول طی ماه شعبان ۱۳۲۴ ه.ق تا جمادی‌الاول ۱۳۲۶ برابر با اکتبر ۱۹۰۶ تا ژوئن ۱۹۰۸ ادامه یافت^۲ و بعد از کودتای محمدعلی‌شاه و تعطیلی مجلس بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ در جلسه مورخ ۱۸ شوال سال ۱۳۳۵ ه.ق دولت دو مصوبه در جهت محدود ساختن فعالیت نشریات به تصویب رساند و این درحالی بود که بسیاری از نشریات گرفتار سانسور و تعطیلی بودند. این دو مصوبه بدین شرح بود:

ماده اول: «مادامی که قانون منصفه از مجلس شورای ملی نگذشته شکایات راجع به مطبوعات بدون هیئت منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی و محاکمه خواهد شد. وزارت عدلیه یکی از شعب محاکم را برای این امر تخصیص خواهد داد».

ماده دوم: تعیین مجازات موافق قانون مطبوعات خواهد بود مگر در مواردی که در قانون مطبوعات تصریحی نباشد. در این صورت موافق قانون جزای عرفی موقتی حکم داده خواهد شد...». تصمیم دوم نیز که در همین جلسه هیئت وزراء گرفته شده است بدین قرار است: «هیئت وزراء عظام تصویب فرمودند که از این تاریخ اشخاصی که امتیاز روزنامه از وزارت معارف می‌خواهند باید اجازه آن به تصویب وزراء عظام رسیده باشد و نیز کلیه امتیازاتی که قبل از تشکیل کابینه‌ی حاضر از طرف وزارت معارف داده شده و تاکنون اشاعه نیافته توقیف و موکول به اجازه هیئت وزراء خواهد بود».

بر طبق تصمیم دوم هیئت وزراء تعداد زیادی از جراید که مدتی از تصویب آنها گذشته و منتشر نشده بود امتیاز آنها لغو شد و مدیران آن نشریات مجبور بودند برای انتشار نشریه مجوز جدید دریافت کنند.^۳

۱- تاریخچه مطبوعات اصفهان، مقدمه، ص ۱۱.

۲- ترابی فارسانی سهیلا، تجار مشروطیت و دولت مدرن، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران ۱۳۸۴، ص ۱۴۹.

۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، مقدمه، صص ۲۶، ۲۷.

طبق قانون مطبوعات^۱ در صورتی که نویسنده مطالب نشریه معروف بود و در ایران اقامت داشت ناشر چاپخانه‌دار و موزع از تعقیب معاف بودند و مورد تعقیب قرار نمی‌گرفتند و این امر به زیان نویسندگان مطبوعات تمام می‌شد و آنها بودند که مورد مؤاخذه و مجازات قرار می‌گرفتند و در ماده ۱۳ قانون مطبوعات مدیرمسئول پاسخگوی مقالات در روزنامه بود و تنها وقتی مسئول به حساب نمی‌آمد «که از منهیات مسلمه چیزی در مقاله مندرج نباشد».^۲

فصل ۵ و فصل ۶ که از مواد ۲۶ تا ۵۱ قانون را در بر می‌گرفت حدود تخلفات و مسئولیت مدیرمسئول را نسبت به افراد جماعات، سلاطین و مأموران سیاسی خارجه و چگونگی محاکمه ضبط اموال و توقیف روزنامه را به وسیله وزارت معارف معین می‌کرد. ماده ۳۲ قانون مطبوعات درباره حدود تخلفات و مسائل مرتبط بود. «توهین به مقام منبع سلطنت ممنوع قانونی است و تخلف از این قانون مرتکب را اگر مدیرین جراید باشد از سه ماه الی سه سال محکوم به حبس و یا به التزام شرعی از ده تومان الی سیصد تومان دادنی خواهد کرد و اگر غیر از مدیرهای جراید هستند بر حسب تشخیص عرفی، مرتکب از سه ماه الی یک سال حبس خواهد شد. جریده با لایحه‌ای که آن سوء ادب را کرده باشد با مقاله مندرجه آن که شامل خلاف باشد توقیف خواهد شد و این توقیف ممکن است ابدی باشد» این ماده تا حدودی می‌توانست آتش خشم و کینه محمدعلی‌شاه را فروکش کند.^۳

قرارداد ۱۹۰۷ شیرینی مشروطه را در کام ملت ایران تلخ کرد و نمایندگان مردم در مجلس و مطبوعات آزاد با آن مخالفت کردند و روس‌ها برای خاموش کردن صدای این اعتراض از غرور و تعصب و تزلزل رأی محمدعلی‌شاه استفاده کردند و کودتای باغ شاه و به توپ بستن مجلس را فراهم آوردند و این امر با رضایت قلبی انگلیس انجام پذیرفت و برای این که پای سایر کشورها مانند آمریکا به ایران باز نشود انگلیس نقش دلسوزی را بازی و افراد

۱- قانون آزادی نشر مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده که در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ ه. ش. به تصویب رسید و به موجب این قانون انتشار نشریات در کشور قانونمند گردید.

۲- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۲۶.

۳- همان، ص ۱۲۶.

مشخص و فراری‌هایی که از دست حکومت گریخته بودند را در سفارت پناه داد. مخالفت با قرارداد ۱۹۰۷ در مطبوعات اختصاص به یک حزب سیاسی نداشت و هر دو حزب اعتدال و دمکرات در آن اتفاق نظر داشتند.^۱

در دوره فترت علاوه بر اعمال محدودیت برای برخی از جراند دولت دو تصمیم دیگر راجع به مطبوعات می‌گیرد که این پیشنهاد توسط وزارت فرهنگ و در ۱۸ شوال ۱۳۳۵ ه. ق تصویب گردید:

ماده اول: «مادامی که قانون منصفه از مجلس شورای ملی نگذشته شکایات راجع به مطبوعات بدون هیئت منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی و محاکمه خواهد شد وزارت عدلیه یکی از شعب محاکم را برای این امر تخصیص خواهند داد.

ماده دوم: «تعیین مجازات موافق قانون مطبوعات خواهد بود مگر در مواردی که در قانون تصریحی نباشد. در این صورت موافق قانون جزای عرفی موقتی حکم داده خواهد شد. «در همین جلسه دولت تصمیم می‌گیرد که از این پس هرگونه امتیاز نشریه که به وزارت معارف می‌رسد منوط به تصویب هیئت دولت خواهد بود و نشریاتی نیز که امتیاز انتشار دریافت نموده اما منتشر ننموده بودند لغو امتیاز گردیدند».^۲

در حقیقت روزنامه‌نگاری آزاد و ملی پس از برکناری محمدعلی‌شاه وارد مرحله تازه‌ای شد و نشریات به‌صورت عقیدتی و خبری در آمدند به نحوی که احزاب دموکرات اعتدال، اتفاق و ترقی و ترقی‌خواه هر یک برای پیش برد اهداف و برنامه‌های خود دست به انتشار روزنامه زدند. اما با توجه به اوضاع به‌وجود آمده بعد از قرارداد ۱۹۰۷ مطبوعات، آن شور و شوق مشروطه اول را نداشتند و در انجام رسالت مطبوعاتی خود موفق نبودند.^۳ از آفت‌های روزنامه‌نگاری در دوره دوم مشروطه پر مدعائی خوانندگان جراید یا همان توده مردم و رونق بازار شخصیت‌های روزنامه‌ای بود که خود را به‌عنوان اندیشمند و مصلح معرفی می‌کردند. اینان گروهی از جوانان و زنان را گرد

۱- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۴۶، ۱۹۸، ۱۹۹.

۲- تاریخ جراید و مجات ایران، جلد اول، مقدمه، ص ۲۶.

۳- تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ص ۵۱۷.

خود فراهم آوردند که این امر باعث شد تا بسیاری از نویسندگان جدی و اهل نظر در دوره‌های بعدی از مطبوعات کنار بروند.^۱

نهضت مشروطه که یک جنبش فکری و اجتماعی بود بر اندیشه و افکار آزادی‌خواهان تأثیر شگرفی داشت و از موثرترین این تأثیرها نهضت ادبی بود که به شعر این دوره سبک و شیوه خاصی داد که در مطبوعات این دوره قابل مشاهده است و فصل تازه‌ای در شعر فارسی گشوده است. شیوه نگارش مطبوعات به ادبیات سنتی و سبک نگارش دیوانی نزدیک‌تر بود و خبرها به صورت روائی تنظیم می‌شد. اما در برخی موارد مقاله‌ها و خبرهایی به چاپ می‌رسید که خبر از نگارش سبک روزنامه‌ای می‌داد، از جمله مقالات ترجمه‌ای، که سعی می‌شد با زبان ساده به نگارش در آید.^۲

روزنامه همیشه مخاطبان خاص خود را دارد. در دوره مشروطه نیز به همین سبک بود اما علی‌رغم گوناگونی جراید این عصر از اولین روزنامه (کاغذ اخبار) تا روزنامه‌های دولتی و غیر دولتی مانند وقایع اتفاقیه دوره ناصرالدین‌شاه و دوره مشروطه زبان نثر مطبوعات ثقیل و به شیوه مکاتبات دیوانی بود. غالب مخاطبان نشریات توده مردم بودند و لازم بود به زبانی نوشته شود که قابل فهم باشد. چیزی که امروزه یک امر عادی تلقی می‌شود. اهل قلم در آن زمان اغلب مقید به فضل‌فروشی با استفاده از فنون ادبی بودند. چیزی که در اکثر آثار هنری وابسته به طبقات ممتاز مشاهده می‌شود.^۳ اما روزنامه‌نگاری دوره مشروطه باعث شد نثر فارسی از اوج مغلق‌نویسی و فنون ادبی به متن جامعه و زندگی روزمره آورده شود و ضمن پرداختن به مسائل روز آنرا با زبانی ساده‌تر و قابل فهم‌تر به نگارش در آورند.^۴

انقلاب مشروطه تأثیر شگرفی بر مطبوعات و فعالیت‌های مطبوعاتی داشت. به هر روی مؤلف کتاب ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت در این باره می‌نویسد: «...افکاری که در اثر مشروطه در ایران پیدا شد ادبیاتی نو پدید آورد

۱- روزنامه دولت علیه ایران، مقدمه.

۲- پروین ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، جلد اول پیدایش، جلد دوم بحران آزادی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاه های تهران، ۱۳۷۷، جلد اول، ص ۲۲۲.

۳- اردلانی اجلال، ادوار نثر فارسی در دوره مشروطه، چاپ اول، سنجندج، انستیتو تحقیقاتی پژوهشی کرد، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷.

۴- همان، ص ۱۳۴.

که هدف آن با ادبیات پیش از مشروطه فرق کلی داشت. هدف اشعار دوره مشروطه به طور کلی بیداری مردم، برانگیختن احساسات ملی و میهنی، ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی، طرد خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا، پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی، انتقاد سخت و بی‌رحم از نابسامانی‌ها و آشنا کردن مردم به حدود و حقوق انسانی آنها بود...».

اگر شعر را زبان حال عناصر نخبه و برگزیده ملی و قومی یعنی مردم فاضل‌تر و حساس‌تر بدانیم لاجرم ادبیات سیاسی منظوم مشخصه‌ی فرهنگ مردمانی هنر دوست و بصیر و حساس و شاعرانی زبردست و پرمایه به شمار می‌آید. وقتی این گونه اشعار حالت فکاهت و طنز به خود بگیرد تأثیری به مراتب بیشتر خواهد داشت...»^۱.

اثرات اجتماعی مطبوعات در این دوره از جنبه جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی بسیار مهم است و فعالان ارتباطات این دوره که روزنامه‌نگاران و ناشران و گویندگان بودند حلقه‌های تشکیلاتی انقلاب مشروطه ایران را تشکیل دادند. روزنامه‌نگاران حرفه‌ای برای اولین بار به اهمیت و آگاهی افکار عمومی پی بردند و در حقیقت افکار عمومی این دوره پرورش یافته‌ی فعالیت‌های عناصر مختلف و از جمله مطبوعات بود. برای اولین بار در ایران مطبوعات بین مردم رکن اجتماعی مهم شناخته شد و با ترویج افکار آزادی‌خواهان و اطلاعات موجود به صورت کلاس‌های جدید انتقال دانش و آگاهی بین عامه در آمد. می‌توان گفت از سه عامل مهم انقلاب مشروطه روحانیون و خطیبان سیاسی و روزنامه‌نگاران بهترین برداشت و سود اجتماعی عاید فعالان مطبوعاتی شد.

همکاری و هماهنگی رهبران انقلابی و اصلاح‌طلبان و آزادی‌خواهان و روزنامه‌نگاران و کسانی که از وضع ایران نازاضی بودند و برای مبارزه علیه استبداد آمادگی داشتند، محیط بسیار مساعدی را برای شکفتن مطبوعات و روزنامه‌نگاری پدید آورده بود. در محافل روشنفکران و رهبران انقلابی تفکیک روزنامه‌نگاری و رهبری انقلاب به سختی امکان داشت؛ زیرا خصایص انقلابی و نویسندگی در همه وجود داشت.^۲

۱- ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ص ۵۶.

۲- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، صص ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹.

بعداز آغاز به کار اولین نشریه در ایران در همان زمان در تهران و سایر شهرهای ایران نیز اندک اندک مطبوعات شروع به پیدایش کردند و این واقعه بعداز استقرار حکومت مسعود میرزا ظل السلطان در اصفهان و میرزاتقی خان کاشانی در سال ۱۲۹۶ هـ. ق. / ۱۷۸۹ م با نشریه وزین فرهنگ اتفاق افتاد. وی نشریه خود را در آستانه سقوط میرزا حسین خان سپهسالار و تعطیلی روزنامه او (نظامی) تأسیس کرد.^۱

این نشریه یکی از روزنامه‌های خوب ادبی و علمی آن دوره به شمار می‌رفت. اولین شماره فرهنگ روز پنجشنبه دوم جمادی‌الاولی ۱۲۹۶ هـ. ق. در چهار صفحه منتشر شد این نشریه هدف از انتشار خود را انعکاس اخبار و رویدادهای مربوط به اصفهان، یزد، بروجرد، خوانسار و گلپایگان ذکر کرد و تا سال ۱۳۲۸ هـ. ق. انتشار یافت و آخرین شماره‌ای که با مدیریت میرزاتقی خان بود مربوط به تاریخ پنجشنبه بیست و یکم رمضان ۱۳۰۸ هـ. ق. است.^۲

روزنامه از ابتدای انتشار خود به خط زیبای نستعلیق و نسخ میرزا عبدالرحیم و پسرش میرزا فتح‌الله خطاط اصفهانی تحریر می‌شد. چاپ این نشریه بعداز فوت میرزاتقی خان کاشانی توسط میرزا محمودخان از منشیان فاضل دستگاه ظل السلطان تا ۱۳۰۸ هـ. ق. ادامه یافت که گسترده توزیع آن سایر کشورها همچون مصر و عثمانی، هندوستان و شهرهای اروپا مانند لوگزامبورگ و پاریس را در بر می‌گرفت.

در دوره صدر مشروطه در اصفهان نشریه‌ای که بتوان آنرا جانشین شایسته‌ای برای فرهنگ که از نشریات فاخر کشور بود در این دوره نمی‌توان نام برد.^۳ اینک که به اختصار مبحث مطبوعات ایران دوره مشروطه ذکر شد، لازم است تا درخصوص مبحث اصلی این پژوهش که همان بررسی تحلیلی نشریات اصفهان از انقلاب مشروطه تا کودتای رضاخان است بپردازیم. در ابتدا باید گفت اصفهان آن عصر در مقایسه با سایر شهرهای ایران از فضای فرهنگی غنی تری برخوردار

۱- محمدی محمد (تاریخچه مطبوعات اصفهان)، چاپ اول، اصفهان، نقش مانا، ۱۳۸۲، ص ۶.

۲- روزنامه‌های اصفهان در عصر مشروطه، (الجناب، جهاداکبر، فرج بعداز شدت، انجمن بلدیة اصفهان، و ناقر) به اهتمام و مقدمه محمدعلی جلونگر، چاپ اول، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵، ص ۱۲.

۳- همان، ص ۷، ۸.

بود؛ به طوری که در مشروطه اول در این شهر ده نشریه با ترتیب انتشار هفته نامه با نام‌های الجنباب، انجمن مقدس ملی اصفهان، جهاداکبر، فرج بعداز شدت که به انجمن بلدیه اصفهان تغییر نام داد، انجمن بلدیه، اصفهان، نقش جهان، نامه حقیقت، ناقور و گنجینه انصار منتشر می‌شد. در مشروطه دوم نیز نهضت هفته‌نامه‌ها که عبارتند از: زاینده‌رود، انجمن اصفهان، جهاداکبر، عروه‌الوثقی، ناقور، کشکول و پروانه ادامه یافت. برخی از آنها در دوره کوتاهی منتشر شدند و برخی نیز چند سالی ادامه انتشار دادند.^۱

اکثر این نشریات متأثر از دیدگاه‌های حاج آقا نورالله نجفی بودند و این خط فکری را در نشریات دنبال می‌کردند. عباراتی نظیر تحریم اقتصادی بیگانه، رواج اقتصاد ملی، تأسیس بانک ملی، استفاده از کالاهای وطنی، فرهنگ اسلامی، تأسیس مراکز عام‌المنفعه، تبلیغ اصول شریعت اسلامی و مخالفت با دوا بر قدرت بود و روزنامه جهاداکبر بیشتر از سایر نشریات به شریعت خواهی شهره بود و همچنین الجنباب و انجمن اصفهان نیز شریعت خواه بودند.^۲

از سال ۱۲۱۶ تا ۱۲۷۹ ه. ق. / ۱۸۳۷ تا ۱۹۰۰ م اصفهان تنها یک روزنامه داشت و از سال ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۵ ه. ق. / ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ م به دو روزنامه افزایش یافت و از سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ ه. ق. / ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ م هفده روزنامه منتشر شد که یکی از آنها دو یا سه بار در هفته چاپ می‌شد و ۱۶ نشریه به صورت هفتگی منتشر می‌شد.^۳

در دوره پایان سال ۱۲۹۹ ه. ش. مطبوعات اصفهان با یکدیگر جدال و مناقشات قلمی داشتند و در برخی موارد نیز از حدود ادب و نزاکت نیز خارج می‌شد که در آغاز سال ۱۳۰۰ منجر به تشکیل جلسه‌ای در اداره معارف اصفهان می‌شود و در پی آن دستورالعملی بر طبق قانون مطبوعات به مدیران جراید ابلاغ می‌شود مبنی بر:

۱- رجائی عبدالمهدی، تاریخ مشروطیت اصفهان، چاپ اول، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۸.

۲- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۵۴، ۱۵۵.

۳- تاریخ مشروطیت اصفهان، ص ۱۷۱.

۱- ترک هر نوع مناقشات قلمی که مایه وهن مقام جریده‌نگاری و تضييع

حیثیات معارفی بوده و از حدود تنقیلات علمی و اخلاقی خارج باشد،

۲- پس از طبع هر شماره جریده قبل از انتشار آن دو نسخه آنرا به اداره معارف

و دو نسخه به عنوان اداره انطباعات مرکز ارسال دارند» و به مطبوعات

حاضر در جلسه تأکید شد که به جد نسبت به رعایت آن اقدام نمایند.

مدیران حاضر در جلسه از نشریات اخگر، صبح امید، غرش، راه نجات،

مفتش ایران، اختر مسعود و صدای اصفهان و کاشف اسرار بوده‌اند.^۱

عموماً مدیران مسئول نشریات سال‌های مشروطه از میان فضلا و ادبا

و شعرا و نویسندگان و دانشمندان زبردست در اصفهان بودند. اما در طی

زمان مطبوعات این سطح خود را از دست دادند و در دوره‌های بعدی

افرادی که وارد این عرصه شدند با نگاه کاسب‌کارانه و یا گرایش‌های

سیاسی پا در این حوزه گذاردند.^۲

روزنامه چهره‌نما چاپ مصر درباره مطبوعات اصفهان در آن دوره و

کارکردهای جراید اصفهان این‌گونه می‌نویسد: «... اصفهان نوشتن بسیار

پیدا کرده البته خواهید فرمود که ابواب معارف گشوده شده و انواع جراید

در این قبه‌الاسلام منتشر می‌شود. خواهم عرض کرد که جراید اصفهان

که نماینده کردار و آینه اعمال مردم این شهر است. به‌نظر دور و نزدیکان

می‌رسد و خواهند دانست آنچه هم می‌توانند بنویسند با هزار پرده پوشی

بتا مسیح می‌گذرانند و چگونه استبداد مانع است... و همین باعث شده که

جراید خود را به مقالات و حکایات ختم می‌کنند».^۳

آقای صدرهاشمی نقل می‌کند که مدیر روزنامه چهره‌نما چاپ مصر در

اوایل مشروطه به ایران مسافرت نموده و در بازگشت در شماره اول سال پنجم

نشریه خود به تاریخ غره جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ه. ق. موقعیت روزنامه‌نگاری را

در ایران را در یک مجموعه شعر بیان داشت که در آن از نشریات اصفهان نیز

ذکری رفته است.

۱- اسناد مطبوعات، جلد ۲، ص ۶۷.

۲- مشاهیر مطبوعاتی اصفهان (مدفون در تخت‌فولاد)، ص ۲۰.

۳- چهره‌نما، ۱۹۰۴ م / ۱۳۲۲ ه. ق.، جریده مصور غره شوال ۱۳۲۹ هجری قمری، ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ م، سال هشتم، شماره ۱۸، چاپ قاهره، ص ۱۳.

اشعار این گونه آغاز می‌شود:

ای قلم ای حامل اسرار من ترجمان نازنین افکار من
باز کن ابواب معنی کنون ده تو تقریظ جراید از رموز
آنچه هست و آنچه باشد در عدم ذات ایرانی ز ارباب قلم
نام بر از بهر تاریخ ز من تا بماند یادگاری در وطن^۱

در زمان صدور فرمان مشروطیت اصفهان، که قبل از آن بهترین نشریه ولایات را داشت و هنوز نویسندگان و دست اندرکاران روزنامه فرهنگ در قید حیات بودند، در آن زمان دارای هیچ نشریه‌ای نبود و بعد از صدور فرمان مشروطیت و افتتاح مجلس، که در اواسط شعبان ۱۳۲۴ صورت گرفت، مجوز بیست نشریه در این چهار ماه برای تبریز، تهران، اصفهان و مشهد صادر شد که سهم اصفهان انتشار دو نشریه بود. انجمن مقدس ملی اصفهان به مدیرمسئولی سیدسراج‌الدین صدر جبل‌عاملی و الجناب به مدیرمسئولی میر سیدعلی معروف به جناب بوده است.^۲

صنعت چاپ همان گونه که امروز نیز تأثیر به سزایی در فرهنگ نوشتاری دارد، در زمان انقلاب مشروطه در ظهور جراید ایران و به طبع مطبوعات اصفهان تأثیری غیرقابل انکار داشت. صنعت چاپ در حقیقت حلقه تکمیل کننده خدمات مدیران و نویسندگان و تیم اجرایی یک نشریه را عهده‌دار بود. عقیده بر این است که اساس چاپ در آغاز ساخت مهرهای سلطنتی بود که برای تأیید فرامین به کار برده می‌شد که سابقه‌ی آن به قبل از اسلام باز می‌گردد.^۳

استفاده از گراور روی چوب نیز سابق در ایران مرسوم بود و در طومارهای حکومتی از آن استفاده می‌کردند. اما لفظ چاپ از اواخر قرن هفتم هجری با نام چاو در منابع ذکر شده که از دوره‌ی ایلخانان و با الگوبرداری از کشور چین اتفاق افتاده است.

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، مقدمه، ص ۲۴، ۲۳. جهت مطالعه اشعار به بخش ضمانت مراجعه فرمایید.

۲- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۱۲۹.

۳- میرزای گلپایگانی حسین، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران (۱۰۵۰ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی) چاپ اول، تهران، نشر گلشن، اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۷.

دستگاه چاپ به شکل امروزی برای اولین بار در دوره‌ی صفویه مبلغان مسیحی فرقه کرمیت برای چاپ انجیل، تورات و ادعیه به اصفهان وارد کردند که قادر بود به دو زبان عربی و فارسی مطالب را چاپ کند. بعداً در سال ۱۰۵۰ هـ ق هم زمان با کوچ ارامنه از ارمنستان به اصفهان، شاه عباس اسقف خاچاطور گیسارتی ارمنی چاپخانه‌های در جلفا دایر کرد. گسترش مطبوعات با صنعت چاپ در ارتباط بود و در حقیقت یکی از ابزارهای اصلی روزنامه‌نگاری شیوه نوین بود و هست و هر کشوری نیز با توجه به شرایط آب و هوایی و سایر ملاحظات با روش‌های گوناگون به چاپ مطبوعات می‌پرداخت. در ایران و هند چاپ سربی برای مطبوعات چندان با اقبال روبرو نشد و مطبوعات ایران بیشتر با چاپ سنگی منتشر می‌شد. علت این امر را، علی‌رغم این که در آن زمان چاپ سربی در همه‌جا مورد پذیرش قرار گرفته بود، به چند دلیل ذکر کرده‌اند. یکی از آن دلایل را این‌گونه ذکر کرده‌اند: چشمان ایرانیان عادت به مطالعه خطوط بی‌روح چاپ نداشت و از مطالعه‌ی نشریات با خط زیبای نستعلیق و سایر خطوط لذت می‌بردند و از طرفی نیز حروف سربی یا چوبی در اندک زمانی سائیده می‌شد و برای تأمین و ساخت آن قطعه مدتی با تعطیلی دستگاه چاپ مواجه می‌شدند و به این علت استفاده از روش قدیمی‌تر را به صلاح می‌دانستند.^۱

چاپ سنگی به چاپخانه‌هایی گفته می‌شود که نشریات و مطبوعات چاپ شده با دستگاه چاپ سنگی انجام می‌شود. چاپ سربی به چاپخانه‌هایی گفته می‌شود که نشریات و مطبوعات چاپ شده توسط دستگاه سربی انجام می‌شود یا به اصطلاح چاپ مسطح گفته می‌شود.^۲

نخستین تشکل صنفی در صنعت چاپ ایران بعد از صدور فرمان مشروطیت بود که صنعت چاپ نیز با تحول اساسی روبرو شد و اولین خواسته‌های کارگری مطرح شد و علاوه بر پافشاری بر نیازهای مادی و حقوق کارگری خود در عرصه‌های سیاسی نیز حضوری فعال داشتند.^۳

۱- تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، جلد اول، ص ۲۰.

۲- تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، ص ۱۷.

۳- تاریخ روزنامه‌نگاری ایران (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، جلد اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۶۶.

چاپ روزنامه در اصفهان در چند چاپخانه صورت می‌گرفت که از قدیمی‌ترین آنها چاپخانه فرهنگ واقع در بازار سراج‌ها بود که اولین روزنامه اصفهان به نام فرهنگ نیز در آن چاپخانه منتشر می‌شد. چاپخانه دیگر اصفهان چاپ سعادت به مدیریت آقامیرزا محمدسعید نائینی در بازارچه حضرت امامزاده احمد قرار داشت. چاپخانه دیگر چاپ حبل‌المتین بود که بعداً چون به فرقه ترقی‌خواهان وابسته بود به چاپخانه ترقی تغییر عنوان داد و در سال‌های بعد چاپخانه راه‌نجات و عرفان نیز به چاپ مطبوعات پرداخت.^۱

بنابر بحث و بررسی انجام شده، می‌توان گفت که اصفهان از جمله اولین نقاطی بود که روزنامه و روزنامه‌نگاری در آن رایج شد و قبل از استقرار مشروطیت و پدیدار شدن نشریات جدید، چاپ روزنامه فرهنگ تجربه گرانمایی را در اختیار افراد قرار داد، که می‌توانست در ادامه مسیر مطبوعات به یاری آنها بشتابد.

۱- (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان دوره اول از سال ۱۳۲۴ الی ۱۳۲۶ هجری قمری) به اهتمام محمدعلی چلونگر و با مقدمه لقمان دهقان نیری، چاپ اول، اصفهان، سازمان فرهنگی شهرداری اصفهان، زمستان ۱۳۸۵، مقدمه، ص ۲۸.

فصل دوم

مشروطه اول (۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ ه.ق)

و نشریات این دوره

روزنامه الجناب

چگونگی تأسیس روزنامه

با وزیدن نسیم بهاری در بوستان مطبوعات ایران و اصفهان پس از انقلاب مشروطه روزنامه‌ها و جراید متعددی پا به عرصه حیات گذاشتند که به ترتیب درباره هر یک شرح و بسط جداگانه‌ای می‌آید. در بحث مربوط به مطبوعات اصفهان گرچه روزنامه فرهنگ سابقه و جایگاه ویژه‌ای دارد، ولی در دوران مشروطه اولین روزنامه‌ای که به زیور طبع آراسته شد، روزنامه الجناب بود که مدیر مسئولی آنرا میر سیدعلی جناب بر عهده داشت.

زندگی مدیرمسئول

الجناب که از آثار ماندگار دوران مشروطیت اصفهان است نام خود را از اسم مدیرش گرفته. حاج میرسیدعلی بن میرمحمدباقر بن میرمحمدحسین حسینی معروف به جناب در ۲۵ ذیحجه سال ۱۲۸۷ه.ق در اصفهان متولد شد. او از رجال ادبی و ریاضی اصفهان بود که در نزد علمای این شهر به آموختن فقه و اصول و حکمت و طب و به‌خصوص ریاضی پرداخته است. وی اکثر اوقات به تهران مسافرت می‌کرد که در یکی از این سفرها بیمار شد و بعد از چند روز تحمل بیماری بالاخره در شب جمعه ۳۰ شوال ۱۳۴۰ه.ق، مصادف با روز ۲۹ اسفند ۱۳۰۹ در ۶۳ سالگی در تهران وفات یافت و در صحن امامزاده عبدالله واقع در حرم حضرت عبدالعظیم^(ع) مدفون شد.^۱

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد اول، ص ۲۴۸.

سوابق علمی و فرهنگی

از آثار وی کتاب الاصفهان است که ده جلد بوده و تنها یک جلد آن به چاپ رسیده و درباره تاریخ و جغرافیای اصفهان است. روزنامه الجناب و راهبر مسافر اصفهان، که جزوه کوچکی بود، در چهل و هفت صفحه و همچنین ترجمه سفرنامه شاردن راجع به اصفهان، که به صورت پاورقی در کتاب الاصفهان، به چاپ رسیده است.^۱

توصیف مدیرمسئول روزنامه الجناب در مقدمه کتاب الاصفهان چنین آمده: «...ایشان فردی در کسوت روحانیت بود که در فقه و اصول تبحر داشت. در عین حال زبان فرانسوی و ریاضیات قدیم و جدید هیئت قدیم و نجوم جدید را به خوبی می دانست. در ریاضیات قدیم و جدید استاد بود و داوطلبانی را که به حضورش می آمدند ریاضی و نجوم می آموخت. از شاگردان ایشان جلال همایی را می توان نام برد...». وی در تعمیم و گسترش مدارس نیز تأثیر بسزائی داشت. به قسمی که ضیاءالدین جناب را به تأسیس مدرسه گلبهار اصفهان تشویق کردند و دختر خود را به تأسیس مدرسه دخترانه وا داشته و علاوه بر فعالیت در امور فرهنگی تألیفاتی را داشت که بخشی از آن چاپ شده و برخی دیگر نیز از جمله کتاب مشاهیر اصفهان، الفاظ و گویش محلات اصفهان که چاپ نشده است.^۲

محتوای نشریه

وضعیت ظاهری روزنامه

اولین شماره روزنامه الجناب^۳ در ۲۰ شوال ۱۳۲۴ ه.ق برابر با ۹ دسامبر ۱۹۰۶ م در هشت صفحه و با ابعاد ۲۳×۴۶ سانتی متر چاپ شد و تا شماره ۱۴ استمرار یافت. اما راینو معتقد است الجناب به صورت هفتگی و شماره ۱۱ آن در محرم ۱۳۲۵ منتشر شده است.

این روزنامه یکی از قدیمی ترین نشریات اصفهان بعد از انقلاب مشروطه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، جلد اول، ص ۴۵۹.

۲- جناب میرسید علی، الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات گلدسته، ۱۳۷۱، صص ۱۲، ۱۳.

۳- موجودی الجناب در کتابخانه دانشگاه تهران: سال اول شماره ۱، ۴، ۱۰، ۱۲، کتابخانه مجلس شماره ۲، سال اول، شماره ۱۴.

محسوب می‌شود که به صورت هفته‌نامه بوده و با چاپ سنگی و خط نستعلیق در اصفهان منتشر می‌گردید. قیمت اعلان سطری یک قران درج شده این مواردی است که در سرلوحه نشریه آورده شده است.^۱

در سرلوحه نشریه الجناب عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» و در بالای صفحه، «مدیر حاج میرسیدعلی جناب» و محل طبع و انتشار اصفهان درج شده. در سمت راست نام نشریه، در وسط و بالای آن در کنار «بسم الله الرحمن الرحيم» شماره صفحه و شماره نشریه درج شده، در زیر نام روزنامه این عبارت آمده: «به فضل حق در تحت توجهات حضرت اشرف شریعتمدار ثقه الاسلام دامت برکاته» و بعد، ماه و سال انتشار نشریه و در سمت چپ آبونه سالیانه و شش ماهه به قران درج شده: «اصفهان ۲۵ قرآن و شش ماه ۱۵ قران خارج به علاوه هزینه ارسال». شعار نشریه این گونه آورده شده: «روزنامه ایست ملی کاشفه از بناهت ملت نجیبه و باحث از اخبار و علوم و منافع راجعه به ملت و متشکر از عنایت ایصال اخبار و فصول و مواد علمیه مقتضیه با آزادی از ادراج کل با تادیه عوض در موقع مناسب».

نشریه در دو ستون که هر ستون دارای ۱۶ سطر است و در هشت صفحه منتشر می‌شد. شماره اول روزنامه بدون هرگونه خط‌کشی و ستون‌بندی و در ۲۴ سطر دو ستونی به نگارش در آمده است.^۲

ادوارد براون معتقد است که این نشریه با چاپ سنگی منتشر می‌شد اما راینو آنرا با چاپ سربی معرفی کرده و قطع نشریه را سیزده‌ونیم و هفت‌ونیم سانتی‌متر معرفی کرده است. خط این روزنامه نستعلیق بسیار نازیبی بوده و کیفیت چاپ آن نیز در حد مطلوبی ارزیابی نمی‌شود که این نقیصه در شماره‌های دوم به بعد اصلاح می‌شود.^۳

آقای صدرهاشمی مؤلف کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران تا شماره نهم نشریه را که در ۲۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ه.ق منتشر شده ملاحظه کرده است. روزنامه الجناب قبل از تأسیس انجمن ولایتی منتشر شده است. این روزنامه

۱- روزنامه‌های ایران، راینو، ص ۶۸.

۲- الجناب، سال اول، شماره اول، ص ۱.

۳- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، جلد دوم، ص ۱۲۶.